

**مجموعه از سرودهای
روحانی**



مجموعه ای از سرودهای روحانی



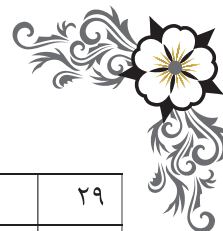
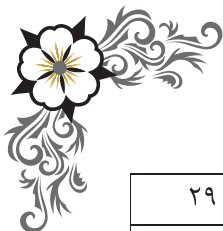
گردآوری
در کلیسای مژده نیکو
صفحه آرای و چاپ
کابل، افغانستان
زمستان ۱۳۹۹





فهرست سرود		
شماره	نام سرود	صفحه
۱	تسلیم من	۱
۲	من زنده هستم	۲
۳	چشمان قلبم را بگشا	۳
۴	چو سرمست مسیح	۴
۵	عظیم است نام تو	۵
۶	گو هلولیا	۶
۷	بچشید و ببینید	۷
۸	قلب من دست توست	۸
۹	سراییم	۹
۱۰	چوپان نیکو	۱۰
۱۱	ای فرزندان نور	۱۱
۱۲	قلبم شاد است	۱۲
۱۳	چه عظیمی	۱۳
۱۴	تا دم آخر	۱۴
۱۵	ای که تو از بهر دعا	۱۵
۱۶	ای عیسی نزد من بیا	۱۶
۱۷	ای دوست بیا	۱۷
۱۸	شبان نیکو	۱۸
۱۹	خداوندا تو آگاهی	۱۹
۲۰	عمیق تر	۲۰
۲۱	اکنون در نور سالکم	۲۱
۲۲	ای یار جان فشانم	۲۲
۲۳	نور خدایی	۲۳
۲۴	تنها عیسی باشد	۲۴
۲۵	قدرتی است بس معجزه آسا	۲۵
۲۶	نان حیات هستم	۲۶
۲۷	وقتی دل شکسته	۲۷
۲۸	روح القدوس	۲۸





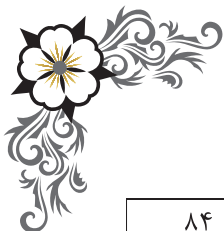
۲۹	چون روحش در من	۲۹
۳۰	در موکب ظفر مسیح	۳۰
۳۱	ستایش حرمت	۳۱
۳۲	ای مقدسین	۳۲
۳۳	خداوند عیسی	۳۳
۳۴	در شب تار ظلمانی	۳۴
۳۵	آمد عیسی اند جهان	۳۵
۳۶	خدای عظیم	۳۶
۳۷	مسیحا سلطان مهر	۳۷
۳۸	چون عیسی شاه جلال	۳۸
۳۹	هستی من فدای تو	۳۹
۴۰	عیسی آمده	۴۰
۴۱	آه چی زیباست	۴۱
۴۲	بیا قصه کنوم از فضل یزدو	۴۲
۴۳	آمد عیسی در این جهان	۴۳
۴۴	هست و نیست این جهان	۴۴
۴۵	مسیح خداوند جاودانیست	۴۵
۴۶	عیسی منجی من	۴۶
۴۷	شادم، شادم	۴۷
۴۸	عاشقم من	۴۸
۴۹	هلولیا ای مسیح	۴۹
۵۰	خدا جور کرده	۵۰
۵۱	حیات	۵۱
۵۲	تو هستی عظیم	۵۲
۵۳	قدوس، قدوس	۵۳
۵۴	تمام شد	۵۴
۵۵	سلطان قلبم	۵۵
۵۶	تکمیل کرد او	۵۶
۵۷	گوییم هلولیا	۵۷





۵۸	شکر بر نام عیسی	۵۸
۵۹	مسیح خداوند	۵۹
۶۰	عیسی بر خاسته	۶۰
۶۱	عیسی بمرد بر صلیب	۶۱
۶۲	بر نگردم	۶۲
۶۳	سرود نو	۶۳
۶۴	عیسی تویی همه چیزم	۶۴
۶۵	محبت پر جلال	۶۵
۶۶	اشتیاق دل	۶۶
۶۷	بر خاسته ، بر خاسته	۶۷
۶۸	کلام خدا	۶۸
۶۹	بر خیز بگذار	۶۹
۷۰	دل‌های شما	۷۰
۷۱	کی خداوند ماست	۷۱
۷۲	با شادی و حمد	۷۲
۷۳	شاهنشاه رب الارباب	۷۳
۷۴	صلیب حقیر	۷۴
۷۵	شاد شادم	۷۵
۷۶	ای خداوند ای مسیح	۷۶
۷۷	خداوند نیکوست	۷۷
۷۸	مژده عیسی به دنیا آمد	۷۸
۷۹	میرسد نوید ای دوست	۷۹
۸۰	تولد یافت	۸۰
۸۱	آه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم	۸۱
۸۲	شادیم در خداوند	۸۲
۸۳	تولد اوست	۸۳





۸۴	آرامی دل‌هایی	۸۴
۸۵	خداوندم ای منجی ام	۸۵
۸۶	اندر این جهان مملو از گناه	۸۶
۸۷	امروز مسیح منجی بشر	۸۷
۸۸	امروز چه روزیست	۸۸
۸۹	سرود نجات	۸۹
۹۰	چون سرگردان من	90
۹۱	ای عیسی منجیم	۹۱
۹۲	به زخم‌هایش شفا بخشید	۹۲
۹۳	صدایم کن	۹۳
۹۴	من ایستاده ام	۹۴
۹۵	چون بنگرم بر صلیبت	۹۵
۹۶	مریم میدانی	۹۶
۹۷	روح القدس	۹۷





به کلیسای مژده نیکو خوش آمدید

یوحنا باب ۸ آیه ۱۲ مسیح خداوند میگوید: "من نور دنیا هستم، کسیکه از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد، بلکه نور زندگی خواهد داشت".
متی باب ۵ آیه ۱۴: "شما نور دنیا هستید. نمی توان شهری را که بر کوهی ساخته شده است، پنهان کرد".

کتاب مقدس در واقع زبان گویا و جاری خداوند است که در مورد او توصیف می کند، سخنان او جاری می شود، سرازیر می شود و در دشت های کویر و بی آب و علف ما را سیر آب می سازد. این بیابان های بایر در واقع توسط این نور آراسته شده و خود نمایی می کند.

مسیح خداوند نور است که در بیابانهای وجود ما جاریست و روح خداوند چشمه ساریست از پاکی، زندگی و خوشی مافوق تصور بشر- که در درون ما ساکن بوده و به کمال می رساند. مسیح گفت: "من نور جهان هستم" و او گفت: "شما نور جهان هستید" این نور بایستی که در تاریکی بدرخشد و تاریکی هیچ گاهی بر آن پیروز نخواهد شد.

مسیح نه تنها کلیسا را نور جهان خطاب کرد بلکه گفت؛ عروسیست برای من عزیز و دوست داشتنی؛ این استعاره نسبت به کلیسا تصویری زیبای را خلق می کند، تصویری از یک رابطه ی به تمام معنی محبت، ارزش و شادی و یک تصویری که در قلمرو آن هیچ تاریکی نیست.

بالغ بر نه سال است که خداوند ما را فرا خواند و این فرا خواندگی رویایی را به همراه داشت؛ زندگی در واقع با رویا معنی و مفهوم پیدا می کند؛ بدون می شود گفت صرف موجودی هستیم با غریزه که نفس می کشیم. رویای داشتیم تا چتری ساخته شود که زیر آن چتر همه با هم با یک دل، با یک هدف، با یک روح و یک جان جمع شده و برای جلال خداوند نفس کشیده شود.

اکنون نه سال که ما کلیسای مژده نیکو را تاسیس نموده ایم. هدف از ایجاد کلیسای مژده نیکو این است تا از پراکندگی افکار و تعالیم نادرست جلوگیری شده و فرزندان خداوند از وجود همدیگر برکت گرفته و در کنار هم باعث جلال نام خداوند شده و با دلگرمی تمام باعث تشویق همدیگر شوند.

در حال حاضر تعالیم از کتاب مقدس، شاگرد سازی و رهبر سازی بطور منظم در درون کلیسای مژده نیکو جریان داشته و تمام گروه های کوچک و یا کلیساهای





خانگی زیر یک سقف (AHCN) Afghan House Church Network جمع گردیده و برای جلال خداوند؛ تعلیم و تجهیز شده و با هماهنگی تمام بدن مسیح را در روی زمین جلال می بخشند.

در جماعت کلیسای بصورت عمده بایستی که تعلیم، دعا و پرستش وجود داشته باشد. روی همین ملحوظ دریافتیم که نیاز است تا منابع بیشتر را جهت پیشبرد کلیسا در اختیار داشته باشیم. در کنار تمام منابع تعلیمی تلاش گردید تا سرود های موجود و متعارف کلیساهای فارسی زبانان دنیا را گرد آوری کرده و برای شما تهیه نماییم.

ممکن ذهن شما با این سوال رو برو شود؛ که چرا باید برای پرستش خداوند، در وصف او سرود خواند و چرا او را با آلات موسیقی و ریتم مشخص جلال داد و ستایش نمود؟ خوب خواهد بود تا در کلام خداوند نگاه اندازیم و ببینیم که در رابطه چه گفتنی دارد؟ مزمور داود باب 33 آیات 2-3: "خداوند را با آهنگ و چنگ ستایش کنید و با رباب سرود حمد او را بنوازید. با سرود های نو او را تمجید نمایید و با مهارت آواز بلند بسرایید".

چه زیباست که در حضور شاه شاهان سرود خوانده شود، و چه شایسته است که در حضور سلطان سلامتی و سازندهی جهان برای او بنوازیم و شاد باشیم. کلیساهای افغانستان به شدت نو پا و جوان است، هنوز از ایجاد و تاسیس آنها یک دهه نمی شود و اعضای آن همه از پس زمینهی آمده اند که تصور غالب در آن؛ رفتن در حضور خداوند یعنی رفتن و ماتم گرفتن، یعنی رفتن و اشک ریختن و رفتن یعنی نوحه سراییدن؛ با این نوع تصویر؛ پرستش درون کلیسا با چنگ و نای، با ساز و آواز و با اشعار توصیفی و تمجیدی ممکن جالب باشد. بله جالب است، زیرا خداوند کتاب مقدس جالب است. بگذارید اینگونه به قضیه بنگریم! در گذشته سلاطین درباریان را با خود داشتند که این درباریان یک وظیفه داشت و آن سرودن و سراییدن بود؛ باید شعر تهیه می کردند و شان و شوکت سلطان و یا پادشاه سرود می نواختند. مگر ممکن است که خداوند شایستهی این کار نباشد؟ آیا خداوند بزرگتر سلطان شهر و کشور منی انسان نیست؟ شکی در آن نیست که او بزرگ و عظیم است؛ او را باید پرستید، توصیف کرد و در حضور او آراسته تر از حضور در دیوان یک سلطان زمینی باید رفت.

برای دریافت سرودها به لینک زیر رفته و دانلود نمایید....

www.khabarkhush.org





تسلیم من

می آیم روی زانوهایم
تسلیم شوم، تسلیم تو
می خواهم نزدیکت بمانم
محتاج هستم، محتاج تو (۲)
تسلیم من، تسلیم تو
سیرابم کن، لبریز از عشق خود
تشنه ام من، تشنه تو
با دسته ایی باز نزدت دعا کنم
سخن بگو با قلب من
تسلیم من، تسلیم تو
میخواهم بشناسم
تو را از قبل بهتر
تسلیم من، تسلیم تو (۲)
همچون نسیمی روحت کن جاری
اراده ات انجام شود در من
همچون طوفانی ایجاد کن شوقی
اراده ات انجام شود در من (۲)
تسلیم من، تسلیم تو
میخواهم بشناسم
تو را از قبل بهتر
تسلیم من، تسلیم تو (۲)



من زنده هستم

او اینجاست او اینجاست او اینجاست دستا شو روی سرم همیشه گذاشته
او اینجاست او اینجاست او اینجاست روح پاکش رو توی تنم گذاشته

خدای زنده ام همیشه توی روحم نشسته
مسیحا زنده است همیشه پیش دلم نشسته

اگر عیسی نبود من مرده بودم
حالا که بامن من زنده هستم
(۲)

او اینجاست او اینجاست او اینجاست دستا شو روی سرم همیشه گذاشته
او اینجاست او اینجاست او اینجاست روح پاکش رو توی تنم گذاشته

دراین دنیای تاریک فقط عیسی را دارم
توی راههای باریک فقط خدا را دارم

اگر عیسی نبود من مرده بودم
حالا که بامن من زنده هستم
(۲)

او اینجاست او اینجاست او اینجاست دستا شو روی سرم همیشه گذاشته
او اینجاست او اینجاست او اینجاست روح پاکش رو توی تنم گذاشته

اگر عیسی نبود من مرده بودم
حالا که بامن من زنده هستم
(۲)





چشمان قلبم بگشا

چشمان قلبم را بگشا چشمان قلبم بگشا

تا تو را بینم

تا تو را بینم

(۲)

در جلال آسمان نور رویت درخشان
مهر و قوت از توست تو هستی قدس قدس قدس

چشمان قلبم را بگشا چشمان قلبم بگشا

تا تو را بینم

تا تو را بینم

(۲)

در جلال آسمان نور رویت درخشان
مهر و قوت از توست تو هستی قدس قدس قدس

(۲)

چشمان قلبم را بگشا چشمان قلبم بگشا

تا تو را بینم

تا تو را بینم

(۲)





چو سر مست مسیح

چو سرمست مسیح من ز درد و سر چرا ترسم
چو آهوی مسیح من ز شیر نر چرا ترسم
ز شیر نر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی خداوندی خداوندی
چو موسای ترا دیدم
ز فرعون ها چرا ترسم من
ز فرعون ها چرا ترسم
ز فرعون ها چرا ترسم من

چو منجی من او باشد ز قید و بند چه اندیشم
چو شور و شوق او دارم ز شور شر چرا ترسم
ز شور و شر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی خداوندی خداوندی
چو موسای ترا دیدم
ز فرعون ها چرا ترسم من
ز فرعون ها چرا ترسم
ز فرعون ها چرا ترسم من

ز روحش پر شده ظرفم به مسکینی چه اندیشم
هزاران گوهرم داده ز بی گوهر چرا ترسم
ز بی گوهر چرا ترسم من

تو عیسای خداوندی خداوندی خداوندی
چو موسای ترا دیدم
ز فرعون ها چرا ترسم من
ز فرعون ها چرا ترسم
ز فرعون ها چرا ترسم من





عظیم است نام تو

عظیم است نام تو عیسی جلال بر نام تو عیسی
قدرت از آن تو عیسی ستاییم نام قدوست عیسی
(۲)

هللویا هللویا هللویا هللویا
هللویا هللویا
ستاییم نام قدوست عیسی
(۲)

عظیم است نام تو عیسی جلال بر نام تو عیسی
قدرت از آن تو عیسی ستاییم نام قدوست عیسی

هللویا هللویا هللویا هللویا
هللویا هللویا
ستاییم نام قدوست عیسی

...





گو هلولویا

یهوه هستی خدای خالق یهوه هستی خدای قادر
مسح کننده ای ' صخره ابدی یهوه تویی شفا دهنده

گو هلولویا گو هلولویا

گو هلولویا گو هلولویا

یهوه هستی محبوب جانم

یهوه تویی شفا دهنده

من هستم عظیم خدای ابراهیم یهوه شالوم خدای سالییم
خدای مؤمنان صخره جاودان یهوه تویی شفا دهنده

گو هلولویا گو هلولویا

گو هلولویا گو هلولویا

یهوه هستی محبوب جانم

یهوه تویی شفا دهنده

مهیا می کند یهوه یایرا نجات عظیم، خداوند مسیحا
فرزند یگانه آشکار کرد او را یهوه تویی شفا دهنده

گو هلولویا گو هلولویا

گو هلولویا گو هلولویا

یهوه هستی محبوب جانم

یهوه تویی شفا دهنده

(۲)

یهوه تویی شفا دهنده

یهوه تویی شفا دهنده





بچشید و ببینید

بچشید؛ و ببینید که خداوند نیکوست

(۲)

کاخی ز حمد سازید او را بر افرازید
با قلب و زبان با حمد و شکرگویان
بهر شاه شاهان

بهرش سرود خوانید با شادی سرایید
مهرش بی زوال آن شاه پر جلال
وصفش را سرایید بهرش سرود خوانید

بچشید؛ و ببینید که خداوند نیکوست

(۲)

کاخی ز حمد سازید او را بر افرازید
با قلب و زبان با حمد و شکرگویان
بهر شاه شاهان

بهرش سرود خوانید با شادی سرایید
مهرش بی زوال آن شاه پر جلال
وصفش را سرایید بهرش سرود خوانید

بچشید؛ و ببینید که خداوند نیکوست

(۲)





قلب من دست توست

قلب من دست توست جانم سر مست توست

گر اسیر دنیام آزادیم دست توست

وقتی یار ندارم تو هستی یار من

وقتی من بیمارم توی درمان من

ای عیسی می دونی به عشقت اسیرم

تو اگر نباشی بی تو من می میرم

ای عیسی ای عیسی خداوند و راهم

تو هستی سرور و تو هستی نجات من

ای عیسی ای عیسی خداوند و شاهم

تو هستی امید و تو هستی حیات من

گر روم در دعا در حضور خدا

با مهر عظیمش گوید فرزند بیا

گر شادی می خواهی من شادی آوردم

برکت و قوت بهر تو آوردم

فیض عجیب او آرام جان من

ای عیسی صلیبت فخر است و تاج من

ای عیسی ای عیسی خداوند و راهم

تو هستی سرور و تو هستی نجات من

ای عیسی ای عیسی خداوند و شاهم

تو هستی امید و تو هستی حیات من



سراییم

با هم گرد آییم همه ایمانداران
از دل سراییم نام خداوند را
زیرا خداوند ما لایق حمد و پرستش است
(۲)

سراییم سراییم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
شاد باشیم شاد باشیم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
(۲)

بیافرازیم دستها را سوی بالا
پرستیم با تمام دل عیسی را
زیرا خداوند ما لایق حمد و پرستش است
(۲)

سراییم سراییم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
شاد باشیم شاد باشیم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
(۲)

اگر در سختی ها و تنگی باشیم
باز میسراییم عیسی خداوند است
زیرا خداوند ما لایق حمد و پرستش است
(۲)

سراییم سراییم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
شاد باشیم شاد باشیم او خداوند است
سراییم عیسی خداوند است
(۲)





چوپان نیکو

مسیح بود بهر ما چوپان نیکو زیرا زندگی خود داده بر ما او (۲)

خداوند است چوپان من ای یار
ندارم احتیاج به هیچ خس و خار (۲)
می خواباند مرا در روی سبزه
سوی آب روان سازد مرا کار (۲)

مسیح بود بهر ما چوپان نیکو زیرا زندگی خود داده بر ما او (۲)

او میبرد مرا سوی عدالت
چرا که نام او باشد حقیقت (۲)
اگر داخل شوم در دار نیستی
نترسم از بدی از قاف قیامت (۲)

مسیح بود بهر ما چوپان نیکو زیرا زندگی داده بر ما او (۲)

تویی با من خدای مهربانم
عصای تو تسلی بخش جانم (۲)
به پیش دشمنان کارم تو سازی
سرافرازم به پیش دشمنانم (۲)

مسیح بود بهر ما چوپان نیکو زیرا زندگی خود داده بر ما او (۲)

به من بخشیده ای صد و ناز و نعمت
خمم لبریز شده از مال و دولت (۲)
عنایات تو هست بر من همیشه
شوم ساکن به دربارت به عزت (۲)

مسیح بود بهر ما چوپان نیکو زیرا زندگی خود داده بر ما او (۲)



ای فرزندان نور

ای فرزندان نور گرد هم بیایید
با شادی و سرور او را بسرائید

اندر حضور او دست ها بر افرازید
"منجی عالم را شکر و سپاس گوئید" (۲)

ای قوم خاص او در روح قوی باشید
پیروزی عیسی را از آن خود دانید

اندر حضور او دست ها بر افرازید
"منجی عالم را شکر و سپاس گوئید" (۲)

ای گله خدا نـزد شبان آئید
در هر غم و سختی عیسی را بخوانید

اندر حضور او دست ها بر افرازید
"منجی عالم را شکر و سپاس گوئید" (۲)



قلبم شاد است

قلبم شاد است، چون با عیسی راه روم ؛
بر نامش جلال باد، چون با وی همی روم !
قلبم شاد است، چون با عیسی راه روم ؛
هر روزه با خداوند راه روم !

هلولویاه با خداوند راه روم !
بر نامش جلال باد
چون با وی همی روم !
هلولویاه با خداوند راه روم !
هر روزه با
خداوند راه روم !

شیطان مغلوب، چون با عیسی راه روم ؛
بر نامش جلال باد، چون با وی همی روم !
شیطان مغلوب، چون با عیسی راه روم ؛
هر روز با، خداوند راه روم

ترس ندارم چون با عیسی راه روم ؛
بر نامش جلال باد چون با وی همی روم !
ترس ندارم چون با عیسی راه روم ؛
هر روزه با خداوند راه روم !

هلولویاه با خداوند راه روم !
بر نامش جلال باد
چون با وی همی روم !
هلولویاه با خداوند راه روم !
هر روزه با
خداوند راه روم !



چه عظیمی

خدایا چون با حیرت خیره شوم
بر این عالم که تو خود ساخته ایی
در اختران عظیم و رعد و برق
قدرت خود نمایان کرده ای

آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی
آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی

چو فکر کنم خداوند فرزند خویش
دریغ نداشت از آن مرگ پریش
که بر صلیب بهر من فدا گردید
بار گناهان ز دوشم غلطید

آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی
آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی

چون مسیح آید با صدای شیپور
سوی سما شوم زین جهان دور
بپایش افتم با سپاس و درود
ز سر گیرم آنگه همین سرود

آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی
آنگه ز جان و دل می سرایم چه عظیمی، چه عظیمی



تا دم آخر شاهد هستم

عیسی امید پر جلالم
به آسمان باشد او رهبرم
وارث نجات ملک خدا
مولود روحم او شسته مرا

تا دم آخر شاهد هستم محبت تو را سرایم (۲)

تسلیم اویم خوانم سرود
در انتظارم تا او آید زود
فرشتگانش نزول کنند
پیام مهر و فیض آورند

تا دم آخر شاهد هستم محبت تو را سرایم (۲)

آرامش دارم چون مطیعم
در منجی خود شاد و مسرورم
در انتظار بازگشت او
غرق محبت در فیض او

تا دم آخر شاهد هستم محبت تو را سرایم (۲)
محبت تو را سرایم، محبت تو را یرایم

...





ای که تو از بهر دعا

ای که تو از بهر دعا آمده ایی در چنین جای مقدس این را یقین دان
منجی ما مینگرد، می شنود، عرض ما را گـر بود از روی ایمان
چونکه خود فرموده ما را ای محبان، با شما بستم ز رحمت عهد و پیمان

گر در عهد و وفا بمانید حکم مرا بدانید
نام مرا بخوانید با قلب وجدان

می کنم هـر مشکلی را حل و آسان، می رسانم هـر دعا را نزد یزدان
طرز دعا را ابن خدا یاد بـه ما داده تا افتد قبول حی سبحان
هر کی خدا را با دل و جان قلب و زبان خواند زود باید جواب از فضل رحمان
پس بیا تا متحد گردیم وهم راز، حاجت خـود را بریم نزد سبب ساز

گوئیم ای پدر روحانی حاجت ما را دانی
باطن ما را خوانی ای شاه شاهان

قادر ما را رهان از نفس و شیطان، کن عطا ما را از احسان روح ایمان



ای عیسی نـزدم بیا

ای عیسی نـزدم بیا بهر من باش رهنما
در دستهایت این جانم ای هادی نیکویم

تشنه و جـودتم، تشنه حضـورتم
درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)

قلبم را نگشایم هیچ کس را جا نـدهم
تنها حضـورت خواهم ای عیسی مصلوبم

تشنه و جـودتم، تشنه حضـورتم
درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)

به تو توکل دارم در هر چیز باش رهبرم
سلطنت کن در قلبم ای مسیح محبوبم

تشنه و جـودتم، تشنه حضـورتم
درخواست کنم منجی ام همیشه باش رهبرم (۲)



ای دوست بیا

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!
تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

وقتی که به ظلمت گردیده گرفتار؛
وقتی که مددکار عاجز شده از کار؛
وقتی که ز عصیان بر من شده دشوار؛
باز آی و نجاتم ده و هم رهبر دین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش! تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

هستم به تو محتاج هر ساعت و هر آن!
فیض تو بکاهد از قدرت شیطان!
در تیرگی ابر، در نور درخشان،
پیوسته به هر جای مرا یار و میعن باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش! تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

چون صبح سعادت طالع ز سما شد،
هر سایه حبث بود، در نور فنا شد
پیدایش گیتی بر نور بنا شد؛
ای نور حقیقی تو مرا نور یقین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش! تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!



آه ای شبان نیکو بیا

آه ای شبان نیکو بیا
ما گوسفندان مرتع تو
«ما را ببر نزد چشمه ها
ما را تو شبانی بنما» (۲)

گوسفندان گمراهی من بودم
در بیابان سرگردان بودم
«آنگه صدایت بشنیدم
به سویت شتابان دویدم» (۲)

بندگردان

زین پس حضور تو شادم،
از هیچ چیز و هیچکس نترسم،
«چون تو عیسی شبانی منی،
مرا از خطر می رهانی» (۲)

آه ای شبان نیکو بیا
ما گوسفندان مرتع تو
«ما را ببر نزد چشمه ها
ما را تو شبانی بنما» (۲)





خداوندا تو آگاهی

خداوندا تو آگاهی ز اندک آرزوی من
شناسی بنده ای خود را و دانی جمله خوی من

بود مهرت ز حد بیرون، تو ای نیکو شبان من
چنین گفتی که آگاهی ز دانه دانه موی من (۲)

گهی فرسودگی و غم، زمانی شادی و عزت
به درگاهت شتابانم که باز است آن به سوی من

در این دنیا تو را دارم، یگانه مهربان من
بود فخرم همه در تو، تو هستی آبروی من (۲)





عمیق تر

عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر مرا ببر به عمق هایت
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر مرا بخوان به ژرفایت
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار درک کنم فیض ترا
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار بشنوم قلب ترا
بر وعده های تو میسازم زندگی ام را من ای پدر

عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر مرا ببر به عمق هایت
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر مرا بخوان به ژرفایت
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار درک کنم فیض ترا
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار بشنوم قلب ترا

به فیض و رحم تو می آیم من نزد نختت ای پدر

مبهوت از محبت و عشق تو بس عظیم تر از درک من

فدیه دادی مرا از گناه و خطا تا جلالت را ببینم

چشیدم و دیدم نیکویی ات امانت پایدار تو

شیرین است چون عسل حضورت ای پدر مرا بخوان به عمق هایت

عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار درک کنم فرزندیم
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بگذار کشف کنم آزادیم
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر بینیم کیستم در نگاه تو
عمیق تر کمی عمیق تر عمیق تر درک کنم هستم میراث تو

هدف از بودنم حیات و زیستنم تنها تویی پدر

فدیه دادی مرا از گناه و خطا تا جلالت را ببینم

چشیدم و دیدم نیکویی ات امانت پایدار تو

چشیدم و دیدم نیکویی ات امانت پایدار تو

شیرین است چون عسل حضورت ای پدر مرا بخوان به عمق هایت

عمیق تر کمی عمیق تر



اکنون در نور سالکم

اکنون در نور سالکم ، پر از جلال حیاتم
مسیح خداوندم با من است سفر زندگی را طی میکنم با عیسی
هلولیاه تسبیحش می خوانم!

منجی ام حفظم کند ، پیروز مندم میکند، وعده آسمانی داده است!
ازینرو بسی شادم؛ از هر گناه بیزارم . پیوسته می ستایم خدا را!

چون با عیسی مرده ام ، زیبا شده باطنم . در مسیح شادمانم ، هلولیا!
گناهانم محو شده ، بندهایم نیز گسیخته، پیروزم بر فوجهای شیطانی!

منجی ام حفظم کند ، پیروز مندم میکند، وعده آسمانی داده است!
ازینرو بسی شادم؛ از هر گناه بیزارم . پیوسته می ستایم خدا را!

غذای آسمانی ، هم آب زندگانی ، از مسیح همی یابم ، هلولیاه!
به خونس مرا شسته ، تاجم را نیز آراسته ، راهی آسمانم کرده است!

منجی ام حفظم کند ، پیروز مندم میکند، وعده آسمانی داده است!
ازینرو بسی شادم؛ از هر گناه بیزارم . پیوسته می ستایم خدا را!

ای کاش هر پریشان حال پیدا کند این جلال؛ که با صلیب عیسی دهد خدا
تا رهد از جهنم، از مرگ جاودانی ؛ پیدا کند نجات آسمانی!

منجی ام حفظم کند ، پیروز مندم میکند، وعده آسمانی داده است!
ازینرو بسی شادم؛ از هر گناه بیزارم . پیوسته می ستایم خدا را!



ای یار جان فشانم

ای یار جان فشانم امید زندگانی
عیسی محب جانم هم‌درد و مهربانی
بی تاب و بی قرارم جز تو کسی ندارم
زان ره سویی تو آرام غم خوار بی کسانی

آنکه که خسته باشم یا دلشکسته باشم از تو گسسته باشم آغوش خود گشایی
آغوش تو پناهم درمان اشک و آهم بگذار که تا بیایم آرام جسم و جانی

دریای زندگانی طوفانی است تو دانی
لیکن نترسم آنی چون تو بر آن روانی
این روح سرکش من قلب مشوش من
وین طبع ناخوش من درمان آن توانی

آنکه که خسته باشم یا دلشکسته باشم از تو گسسته باشم آغوش خود گشایی
آغوش تو پناهم درمان اشک و آهم بگذار که تا بیایم آرام جسم و جانی

نیروی ناتوانان نوای بینوایان
امید نابینایان تو نور این جهانی
ای راحت دل مت حلال مشکل من
قلب من منزل تو در پیری و جوانی

آنکه که خسته باشم یا دلشکسته باشم از تو گسسته باشم آغوش خود گشایی
آغوش تو پناهم درمان اشک و آهم بگذار که تا بیایم آرام جسم و جانی
(۲)



نور خدایی

در طی سفر در نور سالکم ،
بر اوج کوه ها یا دره ها !
«ترکت نکنیم» گوید میسحا؛
وعده ای است عالی از بهر ما!

نور خدایی، نور خدایی، تابان در قلبم با جلالش !
هلولیاه، مسرور و شادم ! خوانم من حمد منجی ام را!

چون تاریکیها گیردم فرا ،
منجی ام باشد هادی مرا.
نور من اوست ، در وی ظلمتی نیست؛
همواره کنم نزد او زیست

نور خدایی، نور خدایی، تابان در قلبم با جلالش !
هلولیاه، مسرور و شادم ! خوانم من حمد منجی ام را!

با قلبی شادان ، در نور ی تابان ،
سوی آسمان باشم روان .
با حمد و ثنا ، قلبم شادمان ؛
باشد هادی ام نور جهان!

نور خدایی، نور خدایی، تابان در قلبم با جلالش !
هلولیاه، مسرور و شادم ! خوانم من حمد منجی ام را!



تنها عیسی باشد

تنها عیسی باشد مالک دلم؛ تنها عیسی آنجا ساکن شود
محبت او را مانند نباشد؛ تنها نزد او راحت می ایم

غمی ندارم، گله نکنم، خداوندم عیسی نزد من است
خود فرموده که دستم را می گیرد برد آنجا که دائم راحت است

تنها عیسی کرد از گناهم آزاد؛ تنها او در حق من احسان کرد
دلم را بشکاف با مهر عظیمش، آنگه آرامی آسمانی داد

غمی ندارم، گله نکنم، خداوندم عیسی نزد من است
خود فرموده که دستم را می گیرد برد آنجا که دائم راحت است

وقتی در نبرد ناتوان میشوم ، تنها عیسی به من نیرو بخشد
از چشمه حیات او مینوشم؛ دائم نی روی تازه می یابم

غمی ندارم، گله نکنم، خداوندم عیسی نزد من است
خود فرموده که دستم را می گیرد برد آنجا که دائم راحت است

عیسی در این نبرد پیروزم کند؛ مرا نزد خود آسمان برد
در آنجا همواره شادی خواهم کرد؛ راحت و آرام در آغوش او

غمی ندارم، گله نکنم، خداوندم عیسی نزد من است
خود فرموده که دستم را می گیرد برد آنجا که دائم راحت است



قدرتی است بی حد معجزه آسا

گر از گناه آزادی می خواهی،
در خون عیسی این قدرت هست!
گر بر شیطان تسلط می خواهی،
در خون عیسی قدرت است!

قدرتی است بی حد معجزه آسا، در خون مسیحا!
قدرتی است بی حد معجزه آسا در خون بره خدا!

گر از غرور آزادی می خواهی،
در خون پاکش این قدرت هست!
از عادات زشت آزادی یابی،
در خون عیسی قدرت هست!

بندگان

گر خواهی از برف سفید تر شوی،
در خون عیسی قدرت هست!
شفا از مرضهات می خواهی،
در خون عیسی قدرت هست!

بندگان

گر می خواهی او را خدمت کنی،
در خون پاکش این قدرت هست!
در زندگی ات تمجیدش کنی،
در خون عیسی قدرت هست!

قدرتی است بی حد معجزه آسا، در خون مسیحا!
قدرتی است بی حد معجزه آسا در خون بره خدا!



نان حیات هستم

نان حیات هستم، نان حیات هستم؛
به من ایمان بیاورید! (۲)

پیش از تولد ابراهیم، من بودم و هستم! (۲)

نور جهان هستم، نور جهان هستم،
به من ایمان بیاورید! (۲)

پیش از تولد ابراهیم، من بودم و هستم! (۲)

راه راست هستم؛ راه و راستی هستم،
به من ایمان بیاورید! (۲)

پیش از تولد ابراهیم، من بودم و هستم! (۲)

قیامت و حیات هستم، قیامت و حیات هستم،
به من ایمان بیاورید! (۲)

پیش از تولد ابراهیم، من بودم و هستم! (۲)



وقتی دل شکسته

وقتی دل شکسته گر انبار و خسته
در ظلمت گناه گمگشته

به پای صلیبش افتادم پشیمان
وز آنجا تابید نور ایمان

مسیحا مسیحا نورت بر من تابید
مرا از گناهان رهانید، رهانید
مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
مرا بخشید شادی و حیات

گر چه مسکین و کور لیکن پر از غرور
تا بار گناهم شد اشکار
آنکه من به پای آن مصلوب افتادم
آنجا از ظلمت کرد آزادم

مسیحا مسیحا نورت بر من تابید
مرا از گناهان رهانید، رهانید
مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
مرا بخشید شادی و حیات

حال ظلمت رخت بسته بند هایم گسسته
طلوع کرده عیسی در قلبم
مسیحا نگاهم به نور رویی توست
تجاتم ز فیض و رحم توست

مسیحا مسیحا نورت بر من تابید
مرا از گناهان رهانید، رهانید
مسیحا نگاهت آن مهر و صفایت
مرا بخشید شادی و حیات



روح القدس

روح القدس به ما قوت عطا فرما
تا آنکه نور رحمتت روشن کند جان را!
این قلب جامد را بگداز و غالب آ؛
بر جمله افکار بدم نو خلقتم فرما!

ایمان نو بخشا، شک را ببر از ما؛
دلهایمان کن مشتعل با حب بی فنا! (۲)

حمد از زبان من، تسبیح زبید تو را
پس صرف خدمتت کنم باقی عمرم را
در قوت روح، گویم پیامت را؛
جویندگان و تشنگان یابند نجات را

ایمان نو بخشا، شک را ببر از ما؛
دلهایمان کن مشتعل با حب بی فنا! (۲)



چون روحش در من

چون روحش در من کار کند، سراییم مانند داود! (۲)

سراییم، سراییم، سراییم مانند داود! (۲)

چون روحش در من کار کند، شنوم مانند سموئیل! (۲)

شنوم، شنوم، شنوم مانند سموئیل! (۲)

چون روحش در من کار کند، خواهم گفت مانند دانیال! (۲)

خواهم گفت، خواهم گفت، خواهم گفت مانند دانیال! (۲)

چون روحش در من کار کند، اطاعت کنم چون مریم! (۲)

اطاعت، اطاعت، اطاعت کنم چون مریم! (۲)

چون روحش در من کار کند، محبت کنم چون عیسی! (۲)

محبت، محبت، محبت کنم چون عیسی! (۲)

چون روحش در من کار کند، بشارت دهم چون پولس! (۲)

بشارت، بشارت، بشارت دهم چون پولس! (۲)



در موکب ظفر مسیح

در موکب ظفر مسیح، پیش رویم با قوت خدا
عطر معرفتش افشانیم بین انسانهای بینوا!

ای مسیح قوت ما ز توست؛
با شهادت با خون توست!
تو به ما قوت بخشیدیده ای،
بر شیطان تسلط داده ای!
پیروزی حاضر کردی بهر مومنین! (۲)
ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)

سراییم سرود پیروزی، با شادی در خضور خدا!
با ایمان بر دنیا پیروزم، تا رویم نزد منجی ما!

ای مسیح قوت ما ز توست؛
با شهادت با خون توست!
تو به ما قوت بخشیدیده ای،
بر شیطان تسلط داده ای!
پیروزی حاضر کردی بهر مومنین! (۲)
ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)

قلعه شیطان فرو ریزد، چون آواز شادمانی خیزد!
نه به قوت و نه به قدرت، بلکه با روح او به جرأت!

ای مسیح قوت ما ز توست؛
با شهادت با خون توست!
تو به ما قوت بخشیدیده ای،
بر شیطان تسلط داده ای!
پیروزی حاضر کردی بهر مومنین! (۲)
ای مسیح در تو داریم یقین! (۲)



ستایش حرمت

ستایش حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین بره ابد الابد (۲)

بره خدا جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد
لایق است که او باشد صاحب جلال و قوت ، حکمت دولت

بند گردان

لیاقت داری طومار را از پدرت بگیری مهرش باز کنی
لیاقت داری آن را بخوانی چونکه جانت را قربانی کردی

بند گردان

به خون خود مردم را از هر ملت خریده و آزاد کرده ایی
ایشان را مثل هدیه زیبا به حضور وی تقدیم کرده ایی

بند گردان

ایشان را به سلطنت رساندی مثل کاهنان خدای ما
ستایش میکنیم نام تو را خداوند ما، خداوند ما

ستایش حرمت جلال و قوت
از آن تخت نشین بره ابد الابد (۲)





ای مقدسین

ای مقدسین، ای قوم خدا،
ای که به یکدل باهم ساکنید،
خوشی من فقط شما هسنید

کیست امید من، تاج فخر من؟
فقط تو هستی، برادر من!
جلال و خوشی من تو هستی،
برادر من، ای خواهر من!

فدیۀ جان تو گرانبهاست؛
تو هم از بنیاد راستی هستی!
جزو سنگهای بدن مسیح،
مورد اکرام و محبت هستی

بند گردان

شما هیكل خداوند هستید،
جزو اعضای بدن مسیح،
هموطن مقدسین او،
از اهل خانه خدا هستید!

کیست امید من، تاج فخر من؟
فقط تو هستی، برادر من!
جلال و خوشی من تو هستی،
برادر من، ای خواهر من!



خداوند عیسی

خداوند عیسی، عدالت ما،
روح تو جذب کرده ما را از کل دنیا!
اتحاد ما با تو چه زیبا!
با صلیب و قیام تو شعله رو در ما

ای شبان اعظم گله، خداوند عیسی،
داماد پر جلال سماوی بهر کلیسا!

پدر از سما، حاضر در هر جا،
فرزندان تو گشته ایم با خون عیسی
اتحاد ما با تو چه زیبا!
بهر ما گمراهان کردی فرزنت فدا!

بند گردان

ای روح خدا، عامل احیا،
حضورت بخشد لطف و شادی به کلیسا
اتحاد ما با تو چه زیبا!
ساکن گشته، ای قدوس، در قلوب ما!

بند گردان

ای قوم خدا، عروس عیسی،
جامه عدالت بر تن، زینت تقوا!
اتحاد ما با تو چه زیبا!
یگانگی روح باشد سرلوحه ما!



در شب تار و ظلمانی

در شب تار و ظلمانی، فرشتگان نورانی،
ظاهر شدند بر شبانان، شاد باشید، شاد باشید!
زیرا که منجی جهانی، ظاهر شد بر عالمیان!

در قنداقه ای پیچیده، در آخوری او خوابیده!
به دیدنش بشتابید، شاد باشید، شاد باشید!
چون منجی عالمیان، آمده اکنون به جهان!

در شب تار و ظلمانی، فرشتگان نورانی،
ظاهر شدند بر شبانان، شاد باشید، شاد باشید!
زیرا که منجی جهانی، ظاهر شد بر عالمیان!

مسیح عیسی از آسمان، آمده اکنون به جهان!
زانو زنید حمدش کنید، شاد باشید، شاد باشید!
نام خدا را جلال باد، تا ابد او خدا باد!

در شب تار و ظلمانی، فرشتگان نورانی،
ظاهر شدند بر شبانان، شاد باشید، شاد باشید!
زیرا که منجی جهانی، ظاهر شد بر عالمیان!



آمد مسیح اندر جهان

آمد مسیح اندر جهان؛
شادی کنید، ای مومنان!
تسبیح و تقدیسش دهید؛
حمدش کنید و رد زبان!

پور خدای بی مکان،
شد آشکار اندر جهان،
از نور روی خود نمود،
روشن زمین و آسمان

شادی و وجد ای کودکان،
بنمایید از دل و جان!
امروز اندر بیت اللحم،
منجی عالم شد عیان!

اینک خدای بی مکان،
کز دیده ها بودی نهان،
اندر لباس بندگی،
شد خلق گمره را شبان



خدای عظیم

خدای عظیم بهر ما خاکیان، نمود نقشه اش را عیان !
ز بهر نجات جمیع ملل، فرزندش را داد به جهان !

جلال بر تو باد ! سرودند ملانک؛ آرامی و صلح بر زمین !
رضامندی در بین آدمیان ! ره و مقصد مومنین (۲)

مژده تولد منجی ما، بشارت به ارض و سما ؛
پیام خوشی عظیم خدا، تسلی دل‌های ما !

جلال بر تو باد ! سرودند ملانک؛ آرامی و صلح بر زمین !
رضامندی در بین آدمیان ! ره و مقصد مومنین (۲)

تمام خلقت در اندوه و آه، در طلب رهایی اند!
شبان و مجوسیان و شمعون پیر، پی نور سماری اند !

جلال بر تو باد ! سرودند ملانک؛ آرامی و صلح بر زمین !
رضامندی در بین آدمیان ! ره و مقصد مومنین (۲)



مسیحا سلطان مهر

مسیحا سلطان مهر و محبت
مسیحا سلطان مهر و محبت؛
تا ابد مسح شده با فیض و رحمت
با پدر عهد بسته تا بخشد نجات
بهر تشنه او دهد آب حیات
بند گردان

بره خدا غالب شد بر دنیا! (۳)
مسیح خداوند بر موت و گناه!

شیاطین می لرزند از اسم عیسی؛
دیوها نیز می ترسند از منجی ما،
چون نام محیدش باشد بی همتا؛
با خـونش خریده آزادی ما
بند گردان

همه گناهکاران به خود بیایید!
دنیا را در عمق هلاکت بینید!
عده کثیری بی نجات مردند؛
از دنیای فانی سودی نبردند
بند گردان

با ابرها همی آید شاهان،
با جلال و شکوه فرشتگان!
از عدالت پر سازد او دنیا را؛
داوری نماید گناهکاران را!

مسیحا سلطان مهر و محبت! (۳)
تا ابد مسح شده با فیض و رحمت!





چون عیسی شاه جلال

چون عیسی شاه جلال، با شکوه با زوال، بازگشت کند به این جهان
ایمان دار حقیقی را سوی خـود خواند، در آن بهشت جاودان
شکر سپاس باد بر نام عیسی
تنها امیـدم در این دنیا

شادانم، حمدش را خـوانم
بازگشت منجی ام را خواهانم

وقتی خداوند عیسی، مظهر ذات خدا، نازل شود ز آسمان
همه گنهکاران، از هر نقطه جهان، گردند ترسان و پریشان گویند ای کوه ها،
محو کنید ما را شرمنده ایم از روی عیسی

شادانم، حمدش را خـوانم
بازگشت منجی ام را خواهانم

وقتی رسید به پایان کار من در این جهان، پرواز کنم سوی عیسی
تاج جلالم بخشد، با شادی مرا گوی: « ای فرزند، نزد من بیا! »
در نور رویش، روم به سویش
اشک شوق ریزم بهر فیضش

شادانم، حمدش را خـوانم
بازگشت منجی ام را خواهانم





هستی من فدای تو

هستی من فدای تو قلب من است جای تو
می شنوم ندای تو راحت من رضای تو (۲)

جسم تو شد غذای من خون تو شد برای من
شربت بی بهای من راحت من رضای تو

بندگردان

مزد گنه سزای من لیکن شدی فدای من
منجی من خدای من راحت من رضای تو

بندگردان

درد من و دوی تو رنج من شفای تو
دین من و ادای تو راحت من رضای تو

بندگردان

خاک درت بهشت من مهر رخت سرشت من
عشق تو سرنوشت من راحت من رضای تو

هستی من فدای تو قلب من است جای تو
می شنوم ندای تو راحت من رضای تو (۲)





عیسی آمده

در درون جان ما غوغاست (۲)
صد هزاران مژده بر دلهاست؛ عیسی آمده (۳)

از نسیم این پیام آسمانی روز و شب (۲)
اشک شادی در دلم دریاست
عیسی آمده (۳)

در درون جان ما غوغاست (۲)
صد هزاران مژده بر دلهاست؛ عیسی آمده (۳)

این حدیث سوسن است و این حدیث یاسمن (۲)
این حدیث لاله صحر است
عیسی آمده (۳)

در درون جان ما غوغاست (۲)
صد هزاران مژده بر دلهاست؛ عیسی آمده (۳)



آه چه زیباست

آه، چه زیباست که شوند جمع

مقدسین یکدل باهم،

در حضور خدای ما،

در خانه پدر ما !

بند گردان

ای گر انبار تو نیز بیا

به کلبه پر مهر ما

ای گر انبار تو نیز بیا

به خانه ما، کلیسا

بند گردان

آه، چه زیباست خانه ما!

مسیح ما میان ما؛

پدر ما در آسمان ؛

پر از مهر است کلبه ما!

بند گردان

آه، چی زیباست آن کلیسا

که سر آن بود عیسی!

اعضای آن مقدسین،

خانواده پاک خدا!

بند گردان

آه، چی زیباست مسکن ما !

به ز قصر های این دنیا !

گرچه حقیر است این کلبه،

لکین عیسی باشد آنجا !

ای گر انبار تو نیز بیا به کلبه پر مهر ما

ای گر انبار تو نیز بیا به خانه ما، کلیسا



بیا قصه کنوم از فضل یز دو

بیا قصه کنوم از فضل یز دو
ری عیسی ره کد او بلدی از مو
آر کس باور کنه بلیی مسیحا
نجات پیدا مونه از اییل جندو

مونجی ایمه، مونجی ایمه
عیسی مسیح مونجی ایمه

امی قصه ره پیدا کدوم مه
منی انجیل یو—وحنا چکرو
فصل سیوم آیت شوز ده موگیه
نجات عالمی ضامن شی عیسی

بندگردان

بیید پیش خدا او ملگ آزره
ملگ و مالو منال کو ندره فایده
اگر فایده مونی حاصل تو گوش کو
امی فایده که تو جنت ره خوش کو

بندگردان

اگر باو ار کنی از دل و جان خو
بیرو ایمو بلیی منجی عالم
خداوند و عده پر مهربان شی
موشی ساکن ده جنت آر چی باشی

مونجی ایمه، مونجی ایمه
عیسی مسیح مونجی ایمه



آمد عیسی در این جهان

آمد مسیح در این جهان، بلدی نجات آر انسان
آر کس باوار کنه او ره مبره قد خود خو ده آسمان

دنیا خو غرق گناه بود صادقو هم گرا موشود
ایله آسمو ره کد یزدو بلدی از مو جور شد انسان

بندگردان

ده میدونی بیت الحم چوپونو غرق خاو بودن
فریشتا گفت پیدا شده امشاو مسیح مهربان

بندگردان

تفسیری پیدایش شیره عالمو خاندن از کتاب
ری شدو بلیی اشتر تا بنگرنن ابن یزدان

بندگردان

موج دریا و آر بشر مگین ثنای تو یارب
آی مردمای بی خبر بیرین بلیی شی زود ایمان

آمد مسیح در این جهان، بلدی نجات آر انسان
آر کس باوار کنه او ره مبره قد خود خو ده آسمان



هست و نیست این جهان

هست و نیست این جهان در دست خداست
روشنی بخش جهان نور مسیح است

می سرائیم بهر او با سرود و ساز (۲)
بیائید با هم باشیم دایم هم آواز (۲)

حمدش بر زبان آریم چون پناه ماست
بخشاینده خطا و گناه ماست

می سرائیم بهر او با سرود و ساز (۲)
بیائید با هم باشیم دایم هم آواز (۲)

شادی بخش دل ما گفتار مسیحیست
رهنمود راه ما کردار مسیحیست

می سرائیم بهر او با سرود و ساز (۲)
بیائید با هم باشیم دایم هم آواز (۲)



مسیح خداوند جاودانیست

مسیح خداوند جاودانیست
مسیح حیات است و زندگانیست
مسیح نجات ، صلح مهربانیست
آه ای مسیحا نورت بنما (۲)

در همه عالم جز او خدا نیست
راهم ز راهش هرگز جدا نیست
هم بر لبم حرفی جز دعا نیست
درد دلم را جز او شفا نیست
قلبم ز مهرش یکدم سوا نیست
آه ای مسیحا نورت بنما

مسیح خداوند جاودانیست
مسیح حیات است و زندگانیست
مسیح نجات ، صلح مهربانیست
آه ای مسیحا نورت بنما (۲)

آه ای مسیحا شبان مایی
منجی آرام جان مایی
در جسم و در روح، روان مایی
بخشنده هر عصیان مایی
نور تمام جهان مایی

مسیح خداوند جاودانیست
مسیح حیات است و زندگانیست
مسیح نجات ، صلح مهربانیست
آه ای مسیحا نورت بنما (۲)



عیسی منجی من

عیسی منجی من، شبان نیکوی من
حافظ جان من، تویی غمخوار من

تویی یاور من، تویی مددکار من
تویی آن سخره استوار من (۲)

تو فروغ جهان، آب حیات زمان
تو ازلی هستی، ابدی، جاویدان

تویی یاور من، تو مددکار من،
تویی آن سخره استوار من (۲)





شادم، شادم

از روزی خدای من خدای من مرا صدا زد،
مرا صدا زد از روزی شبان من،
شبان من مرا پیدا کرد، مرا پیدا کرد

شادم، شادم، شادم

رها شدم آزاد شدم (۲)

از روزی پیمان بستم، پیمان بستم
با خون عیسی با منجی خود
گفت اگر با توکل نزد من آیی
آرامش بخشم به حیات تو

بند گردان

از وقتی عشق عیسی مهر عیسی قلبم را پر کرد،
قلبم را پر کرد سر سپردم به راهش به درگاهش
تولد نو زندگی روشن

بند گردان

چه روز شادی بخشی، شادی بخشی
روز نجات است، روز نجات است
گناهانم را برده روی صلیب
از غم آزادم، از غم آزادم

شادم، شادم، شادم

رها شدم آزاد شدم (۲)





عاشقم من

عاشقم من، خدای من تویی تو، عاشقم من منجی من تویی تو
ای که بی تو شفیع پیدا نمیشه عاشقم من (۲)

عیسی مسیح را دارم، از کس ترسی ندارم
یک عمر که در بدر دنبال او میگشتم
تو شاهی آسمانی، خدای روی زمینی
برای قلب خسته، امید آخرینی
بی تو شفا نمیشه، درد ها دوا نمیشه
دل ها تا دنیا دنیا است از تو جدا نمیشه

عاشقم من، خدای من تویی تو، عاشقم من منجی من تویی تو
ای که بی تو شفیع پیدا نمیشه عاشقم من (۲)

تو پسر خدایی، خدای زنده هستی
تو راه و راستی هستی، تو خالق ما هستی
تو نور این جهانی، پناه بی کسانی
برای دل شکسته، امید آخرینی
بی تو شفا نمیشه، دردها دوا نمیشه
دل ها تا دنیا دنیا است از تو جدا نمیشه

عاشقم من، خدای من تویی تو، عاشقم من منجی من تویی تو
ای که بی تو شفیع پیدا نمیشه عاشقم من (۲)



هللویاه، ای مسیح

هللویاه، هللویاه، هللویاه، ای مسیح
منجی همه جهان، پادشاهی مسیح (۲)

حمد تو گویم همیشه با دل و با روح و جان
با تو در امن و امانم ای شبان مهربان

هللویاه، هللویاه، هللویاه، ای مسیح
منجی همه جهان، پادشاهی مسیح (۲)

چون درازه دست من به سوی عیسی مسیح
بی نیاز شده دلم در این دنیا از هر کسی

هللویاه، هللویاه، هللویاه، ای مسیح
منجی همه جهان، پادشاهی مسیح (۲)



خدا جور کده

خدا جور کده ایی عرض و سما ره
هـوـا، دریا، جهان با صفا ره
کسی که نور ها از جلوۀ اوست
ده یادی مه همیشه استه آندوست

ای خدایم چه نعمت های دادی از برایم

خداوندی که ساخت هفته و ماه ره
به نور اشترا افروخته راه ره
کسی که گردش ایام از اوست
ده یادی مه همیشه استه آن دوست

ای خدایم قبول فرما درود و دعایم

خدای افتو و ماه و ستاره
که باشه هاکی از کار شی همواره
ده وختی تنگدستی رهبرم اوست
ده یادی مه همیشه استه آن دوست

ای خدایم سرود خوانم ز بهر مسیحایم

ده وختی نا امیدی در جهانیـم
بود آرام بخشی جسم جانیـم
چو در اندیشه من باشد آن دوست
ده یادی مه همیشه استه آندوست

ای خدایم ز جان و دل برای تو سرایم



حیات عیسی

۱. مسیح است نورم مسیح حیاتم
راه و راستی و هم نجاتم (۲)

هللویاه، هللویاه، حیات عیسی افزون بر ما
هللویاه، هللویاه، جلال عیسی افزون بر ما

۲. بیائید فیضش را بسراییم
از جان و دل سرود بخوانیم (۲)

هللویاه، هللویاه، حیات عیسی افزون بر ما
هللویاه، هللویاه، جلال عیسی افزون بر ما

۳. اعلان نمائیم فیض عیسی را
آن منجی و آن خداوند را (۲)
تو پر جلالی تو پادشاهی
جلالت میدهم ای عیسی (۲)

هللویاه، هللویاه، حیات عیسی افزون بر ما
هللویاه، هللویاه، جلال عیسی افزون بر ما



تو هستی عظیم

تو هستی عظیم خدای رحیم
نام تو بالاترین نامها تو دنیاست

جلال بر تو باد، جلال بر تو باد
جلال بر تو باد، عیسی (۲)

او خداست، او خداست
از مردگان برخاست او خداست
هر زانویی خم شود
هر زبانی بگوید
عیسی خداوند است (۲)

عیسی، تو هستی منجی من
عیسی، پیروز هستی تا ابد
آه، عیسی، پادشاه پر جلال
نام تو را من میپرستم (۲)

تو بی همتایی، تو بی همتایی
تو بی همتایی، تو بی همتایی
تو خداوندی، پسر خدا
عیسای مسیح، تو بی همتایی
تو محبتی، تو آرامشی
دوست میدارم، تو بی همتایی
می پرستم، می پرستم
پسر خدا تو بی همتایی



قدوس، قدوس

"قدوس، قدوس، قدوس
خداوند خدای قدر مطلق
که بود و هست و می آید
بود پر از جلالش آسمان و زمین

سزاوار، سزاوار، سزاوار
سزاوار ای بر خدا
که خون خود را فدا کرد
از همه قوم های جهان مردم را خریدی

سزاوار برکت، سزاوار حرمت
سزاوار جلال، سزاوار قدرت
سزاوار پرستش، سزاوار ستایش
سزاوار حمد و تمجید، سزاوار شکر گذاری" (۲)

سزاوار تمام دل، سزاوار تمام جانم
سزاوار تمام فکرم، سزاوار تمام قدرتم



تمام شد

ای عیسی با مرگت
لغت و موت را برداشتی
ای مسیح شاه من
با خونت مرا شستی
بر صلیب جلجتا
عشقت را ثابت کردی
روز سوم پس از مرگ
خداوندم قیام کردی

تمام شد، مسیح برخاست
از مردگان او قیام کرد (۲)





سلطان قلبم

خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت را بشنوم
مژده خوش نجات را
همه جا رسانم

سلطان قلبم تو عیسی
مهر تو بی همتا
خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت بشنوم

چون ارده ات را نجویم
ببخش مرا مسیح ام
خواهم به سویت شتابان دوم
با تو راه روم

سلطان قلبم تو عیسی
مهر تو بی همتا
خواهم هر روز با تو راه روم
صدایت بشنوم



تکمیل کرد او

تکمیل کرد او پیروزی را
عیسی منجی است به خون خرید ما را
او خداوند است هه هلولویاه او اجر جاودانی ماست

سرائیم

عیسی خداوند، عیسی خداوند
عیسی خداوند، عیسی خداوند
عیسی خداوند، عیسی خداوند

اوست در قلبم
هلولویاه، هلولویاه
هلولویاه، هلولویاه
هلولویاه، هلولویاه
اوست در قلبم



گوییم هلولویه

گوییم هلولویه، شکرش هلولویه،

حمدش هلولویه!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)

نجات داده است مرا، بخشیده گناهم را،

از روح پر کرده مرا!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)

من عیسی را دوست دارم،

عیسی مرا دوست دارد،

من عیسی را دوست دارم!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)



شکر بر نام عیسی

عیسی مسیح، شاه شاهان
رب الارباب، سرور ما
عمانوئیل، خدا با ما
شایسته پرستش

شکر بر نام عیسی، شکر بر نام عیسی
شکر بر نام عیسی، جلال بر نام عیسی (۲)

مسیح عیسی، او زنده است
خدای ما، منجی ماست
قیام کرده او، از مردگان
قبرش خالیست، پیروزیم ما

شکر بر نام عیسی، شکر بر نام عیسی
شکر بر نام عیسی، جلال بر نام عیسی (۲)



مسیح خداوند

مسیح خداوند خدای من و تو
که کرد جان خود را فدای تو
شده زنده حالا برای من و تو

او را میپرستم زدل صادقانه
او را میپرستم ز جان بی بهانه
او را میپرستم ز روح جاودانه

مسیح خواهش ما، مسیح حاجت ما
مسیح مثل خواب و نفس عادت ما (۲)

چو بر زخم دل ها مرهم است او
همیشه به ما مونس و همدم است او
او عطر نفیس گل مریم است او
او همچو حقیقت به دل ها نشسته
او بر پیکر شیر فریاد نشسته
او در دیده و دل چه زیبا نشسته

بندگردان

به خورش زدوده گناه من و تو
سفید کرده روزی سیاه من و تو
بود بعد از این او گواه من و تو
مسیح چاره ساز همه مشکل ما
مهر او بود بعد از این در دل ما
مهر او بود بعد از در دل ما

مسیح خواهش ما، مسیح حاجت ما
مسیح مثل خواب و نفس عادت ما (۲)



عیسی بر خاسته

صبح روز قیام است، مژده ای در کمین است
ستاره ها محو شوند، جایی به خورشید دهند (۲)

بندگردان

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید
کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)

پطروس وارد قبر شد، شک و ترس برطرف شد
ایمان آورد به قیام، مسیح است منجی ما (۲)

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید
کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)

رمز خوشبختی ما، کلید شادی ما
نوید نجات ما، تنها مسیح عیسی (۲)

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید
کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)





عیسی بمرده بر صلیب

عیسی بمرده بر صلیب
از بهر من از بهر تو
دردی عظیمش شد نصیب
از بهر من از بهر تو

جوهای خون گشتند روان
روی صلیبش آن زمان (۲)
مرگ و گناه رقت از میان (۲)
با خون عیسای مسیح

عیسی بمرده بر صلیب
از بهر من از بهر تو
دردی عظیمش شد نصیب
از بهر من از بهر تو

شد کشته عیسی بر صلیب
شد پاره جسمش بر صلیب
یافتم نجات
تو هم یاب نجات (۲)
با خون عیسای مسیح

عیسی بمرده بر صلیب
از بهر من از بهر تو
دردی عظیمش شد نصیب
از بهر من از بهر تو



بر نگردم

من خواستم باشم پیرو عیسی (۳)

بر نگردم، بر نگردم (۲)

جهان در عقب، صلیب در پیش رو (۳)

بر نگردم، بر نگردم (۲)

گر نپیوندد کسی همراهیم (۳)

بر نگردم، بر نگردم (۲)

هنوز هم او را تعقیب خواهیم کرد (۳)

بر نگردم، بر نگردم (۲)

جهان از من گیر مسیح به من ده (۳)

بر نگردم، بر نگردم (۲)





سرود نو

تجلیلش خواهم نمود
میخوانم بهر خدا
در وصفش سرود نو خواهم خواند
حمد او را خواهم گفت
من سرود نو خواهم خواند (۲)

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه
هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه





عیسی تویی همه چیزم

عیسی تویی همه چیزم الف و یا، خداوندم
اولین و آخرین در زندگی ام

طوفانها چون در می رسند حیاتم آشفته سازند
در آغوش گرم تو، من پناه جویم

او را با شادی را سراپیم گر جفا ها آیند سویم
شکنجه و درد و زحمت همه گیرم به خیریت
چون عیسی در زورقم آرمیده است
صلیبم را برداشته ام انکار نفس نموده ام
بهر عیسی سودم زیان دانسته ام
روانم سوی جلجتا تا مصلوب گردم با عیسی
چون پس از مرگ در قیامش شریک گردم
کیست که ما را جدا سازد از محبت خداوند
خدا با ماست هلولیاه کیست به ضد ایمان ما
چون عیسی سلطان قلبها کنار ماست



محبت پر جلال

محبت پر جلال، محبت پر جلال
من که یک مرده بودم تو دادی بر من جان
پس چرا تو را جلال نتم من (۲)

من که یک بدرنگ بودم
قلبم خالی بود به خونت پاک کردی
تا که یابم من نجات (۲)
پس چرا جلال نتم من (۲)

جلال باد، جلال باد، عیسی مسیح را همیشه جلال باد (۲)

زندگی پر از خوشی
زندگی ابدی تو دادی به ما عیسی
چرا که ما را دوست داری (۲)
پس چرا ترا جلال نتم من (۲)

جلال باد، جلال باد، عیسی مسیح را همیشه جلال باد (۲)



اشتیاق دل

اشتیاق دل بهر تو در وجود
ما زیاد کن ای خداوند
میخواهیم باشیم نسلی که در
طلب توست بشنو ای خداوند

۱. ای پدر آسمانی نام تو
مقدس باد دولت تو بیاید
اراده تو اجرا شود

بندگردان

۲. بیافرین دل پاک داخل ما ای خداوند
روح راستی عطا کن که
تنها ترا خدمت کنم

بندگردان

۳. ای عیسی در صلیب جان خود را
فدا کردی ما همچو قربانی زنده
خود را بر تو تقدیم کنیم

بندگردان

۴. ما از مرگ نمیترسیم زیرا تو
پیروز شدی ما را دلاور بساز و
قدرتت را عطا نما



برخاسته برخاسته

برخاسته برخاسته به یقین برخاسته
او بر مرگ پیروز شده، زنده هست
برخاسته برخاسته به یقین برخاسته
شادی کنید که عیسی برخاسته

جمعه صلیب چقدر مصیبت
عیسی را در قبر ماندند
نفهمیدند محال است که بماند
آن سرچشمه حیات

بندگردان

شنبه دسیسه رهبران دین
سنگ قبر را مهر و لاک کردند
نفهمیدند محال است که بماند
آنکه صخره زنده هست

بندگردان

یکشنبه سحر رفت مریم سر
قبر حیرت کرد که سنگ دور شده است
فرشته گفت محال است که بماند
او واقعاً برخاسته

برخاسته برخاسته به یقین برخاسته
او بر مرگ پیروز شده، زنده هست
برخاسته برخاسته به یقین برخاسته
شادی کنید که عیسی برخاسته





کلام خدا

عیسی، عیسی ای کلام خدا
تو را میپرستم
عیسی، عیسی ای منجی ما
ترا ما دوست داریم

میخواهیم جلال را ببینیم
میخواهیم محبت را بدانیم
میخواهیم قدرت را بداریم
دولت تو در اینجا بیاید

عیسی، عیسی ای خالق دنیا
ما را پیدا کردی
عیسی، عیسی ای نور این دنیا
مارا آزاد ساختی

میخواهیم جلال را ببینیم
میخواهیم محبت را بدانیم
میخواهیم قدرت را بداریم
دولت تو در اینجا بیاید

عیسی، عیسی ای پسر خدا
تو مارا دوست داری
عیسی، عیسی ای بره خدا
مارا نجات دادی

میخواهیم جلال را ببینیم
میخواهیم محبت را بدانیم
میخواهیم قدرت را بداریم
دولت تو در اینجا بیاید



برخیز بگذار

بخیز بگذار نور تو بدرخشد
جلال خداوند بر تو تابان است، جلال خداوند

۱. قوم های جهان رفتند به تاریکی
نور خداوند بر تو خواهد تابید
به سوی خدا آنها خواهند آمد
تا نور جلال خداوند را همه ببینند

بندگردان

۲. آن نور جهان به ما نازل شده
عیسی مسیح آن نور حقیقیست
ایمان بیاریم به او نجات یابیم
که ما تا ابد در نور مسیح به سر ببریم

بندگردان

۳. ای که در خوابی بیدار شو و برخیز
که نور مسیح بر تو خواهد تابید
در کارهای ظلمت ما شریک نشویم
مثل فرزندان نور در دنیا زندگی کنیم

بندگردان



دل‌های شما

دل‌های شما پریشان نشود
به خدا همیشه توکل نمایید (۲)

عیسی سرور صلح بیا به قلب‌های ما
عیسی شاه شاهان حاکم باش در این دنیا

این دنیا مشکلات بسیار دارد
اما دلاور باشید عیسی پیروز شده
عیسی گفت: من راهم، راستی و زندگی
جز به وسیله من کس به پدر نرسد

عیسی سرور صلح بیا به قلب‌های ما
عیسی شاه شاهان حاکم باش در این دنیا

از او بخواهید، به دست می‌آورید
خوشی شما کامل خواهد شد
دوباره می‌آید از آسمان به زمین
ما را میبرد با خود تا ابد با او باشیم

عیسی سرور صلح بیا به قلب‌های ما
عیسی شاه شاهان حاکم باش در این دنیا

(۲)





کی خداوند ماست ؟

کی خداوند ماست ؟
عیسی خداوند ماست
کی نجات بخش ماست ؟
عیسی نجات بخش ماست (۲)

تو در بین ما هستی
تو پادشاه هستی
تو چشمه خرسندی
تو زنده هستی (۲)

عیسی خداوند	بلی
نجات دهنده	بلی
شاه شاهان	بلی
راه مایان	بلی

تو در بین ما هستی تو پادشاه هستی
تو چشمه خرسندی تو زنده هستی (۲)



با شادی و حمد

با شادی و حمد و پرستش به پیش رویم
با لشکر آسمانی هم صدا شویم
در این جهان نور عیسی باید افشانیم؛
شادی و صلح و صفا به دلها ببخشیم

عیسی مسیح، هست او سردار ما!
عیسی مسیح، هست او قدرت ما!
عیسی مسیح، هست او سپر ما!
عیسی مسیح، سرور ما، ظفر ما!

با فیض عیسی پیروز گشته ایم بر دنیا؛
با نام عیسی فرو میریزد قلعه ها
کیست به ضد ما چو عیسی شد یاور ما!
اوست سردار لشکر سماوی خدا!

آیید جشنی بر پا کنیم از بهر عیسی،
جشنی برای سردار لشکر خدا!
چون عیسی سردار لشکر آسمان است،
پیروزی ما در این نبرد آشکار است!



شاهنشاہ، رب الارباب

شاهنشاہ، رب الارباب

جلال بر نام تو

شاهنشاہ، رب الارباب

جلال بر نام تو

عیسیٰ، شاہ صلح

جلال بر نام تو

عیسیٰ شاہ صلح

جلال بر نام تو





صلیب حقیر

بر تپه عظیم خارج از اورشلیم
بر پا گشته صلیب حقیر
آن بره خدا بهر گناه ما
شد مصلوب با رنج بی نظیر
آن صلیب افتخار من است
چون بر آن منجی ام شد فدا
در طریق صلیب پیش روم
تا رسم به جلال سما
آن صلیب کهن، رکن ایمان من
گشته خوار در افکار جهان
چون فرزند خدا
ترک کرد فر سما
تا شود فدیة در جلجتا
آن صلیب افتخار من است
چون بر آن منجی ام شد فدا
در طریق صلیب پیش رویم
تا رسم به جلال سما
آن صلیب کهن، عزت و جاه من
بخشید صلح و صفا بهر من
فیض و رحم خدا
آشکارا شد به ما
در صلیب مسیح عیسی
آن صلیب افتخار من است
چون بر آن منجی ام شد فدا
در طریق صلیب پیش رویم
تا رسم به جلال سما



شاد شادم

شاد شادم، سرود خانم، بهر عیسی، خداوندم!

بهر عیسی بخوانم سرود شادمانی؛
گر روم سوی پیری، گر باشم در جوانی
چون جفاها بیاید، در تنهایی بمانم،
چون نام او بخوانم، نام عیسی است درمانم

شاد شادم، سرود خانم، بهر عیسی، خداوندم!

دردها افزوده گردد، در زندانها بمانم،
چون موت به سویم آید، بهر عیسی بخوانم
دشمن سنگسار نماید، در طوفانها بمانم،
در محنت و مشقت، بهر عیسی بخوانم

شاد شادم، سرود خانم، بهر عیسی، خداوندم!



ای خداوند ای مسیح

من در قلب خود بر تو گشودم
ای خداوند ای مسیح
پر ز روح تو گشته این وجودم
ای خداوند ای مسیح
من که آن بره گمگشته بودم
ای خداوند ای مسیح
ره ز الطاف تو پیدا نمودم
ای خداوند ای مسیح

عیسی، عیسی، ای خداوند ای مسیح
پروردگار، ای خداوند ای مسیح (۲)

تو گناه مرا بر جان خریدی
ای خداوند ای مسیح
با صلیبی که بر دوش ات کشیدی
ای خداوند ای مسیح
بند شیطان ز پای من بریدی
ای خداوند ای مسیح
روح خود را به جان من دمیدی
ای خداوند ای مسیح

عیسی، عیسی، ای خداوند ای مسیح
پروردگار، ای خداوند ای مسیح (۲)





خداوند نیکوست

ای تمامی زمین خداوند را
آواز شادمانی دهید؛
خداوند را با شادمانی عبادت نمایید؛
به حضورش با ترنم آیید!

**خداوند نیکوست، خداوند نیکوست؛
رحمت او تا ابدالابد! (۲)**

به دروازه های او با حمد بیایید،
به صحن های او با تسبیح!
او را حمد گوید و و متبارک خوانید؛
زیرا که خداوند ما نیکوست!

**خداوند نیکوست، خداوند نیکوست؛
رحمت او تا ابدالابد! (۲)**





مژده عیسی به دنیا آمد

مژده عیسی به دنیا آمد؛

مژده منجی بشر آمد؛

اینک خداوند با ما بود؛

مژده روح القدس آمد!

در شهر داود مسیحا را،

آن خداوند کبریا را،

بین چگونه تولد شده،

منور ساخته قلب ما را!

طفلی در قنذاق پیچیده بین!

در آخور او را خوابیده بین!

نور عالم هویدا شده؛

کلمه را مجسم ببین

این روز خوش از ایزد بود!

عیسی هدیه پدر بود!

او وعده داد و کرده وفا؛

زندگی ما از او بود!

خدا را در سما، بر زمین،

سلامتی باد و بیش از این!

در میان ما رضامندی،

بود هم در اعلی علین

مژده عیسی به دنیا آمد؛

مژده منجی بشر آمد؛

اینک خداوند با ما بود؛

مژده روح القدس آمد!





میرسد نوید ای دوست

۱. می رسد نوید ای دوست، جان و دل مهیا کن
پای خوان تو زانو زن، فیض حق تماشا کن

۲. گر دلت شده تاریک، با ادب بیا نزدیک
نوش کن از این ساغر، قلب را مصفا کن

۳. فدیہ مسح ایست این معنی محبت بین
راز های پناهن را نزد او افشا کن

۴. از فلک سروش آید، این ندا به گوش آید
در عشا ربانی، یاد خون عیسی کن

۵. جان و تن به راهت داد، فدیہ بر گناهت داد
ز آنکه او پناهت داد، ترک خود سری ها کن

۶. داده او به ما مژده، هست منزل آماده
دست شوی از پستی، میل سوی بالا کن

۷. اس مسیح پاک ما آمده به این درگاه
قلب نو عطا فرما، محو جرم ما ها کن



تولد یافت

تولد یافت نور جهان
عیسی مسیح منجی ما
خواهد مرا نجات بخشید
خواست پدر انجام دهد (۲)

آئید با هم سرود خوانیم
نام او را برافرازیم
تا که آئیم امروز در صفا
زیرا امروز روز شادی است (۲)

او گفت که من با تو هستم
با من بمان دوستت دارم
چون بار من هم سبک است
و یوغ من بس شیرین است (۲)

آئید با هم سرود خوانیم
نام او را برافرازیم
تا که آئیم امروز در صفا
زیرا امروز روز شادی است (۲)

وعده داده برمیگردد
ما را نزد خود میبرد
به ما بخشد قلبی تازه
دعا کنیم ما هر روزه (۲)

آئید با هم سرود خوانیم
نام او را برافرازیم
تا که آئیم امروز در صفا
زیرا امروز روز شادی است (۲)



آه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم

آه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم
یاد درد و رنج منجی ام
چون به قلب ساهم نظر نمود؛
ظلمت غلیظ از من بز دود!

راه جلجتا را او پیمود بهرم،
پیمود بهرم، پیمود بهرم!
راه جلجتا را لو پیمود بهرم
تا بخشد حیاتم!

ترسان و لرزان به پایش افتادم؛
در شک و تردید از نجاتم.
آنگه از درونم این ندا رسید:
<> مسیح گناہانت آمرزیده! <>

بندگردان

عیسی محبتش را ظاهر نمود!
راه جلجتا را او پیمود
ترک نمود شکوه آسمانی را؛
جلال بر نام ساهم عیسی!

راه جلجتا را او پیمود بهرم،
پیمود بهرم، پیمود بهرم!
راه جلجتا را لو پیمود بهرم
تا بخشد حیاتم!



شادیم در خداوند

با بربط و طبل سرود خوانیم

با صدای سنج حمدش گوییم

هلولیاه، هلولیاه

جلال بر نام خداوند

شادیم در خداوند نامش متبارک

شادی کنید ای فرزندان

دست ها بر افرازیم، لب ها را بگشائیم

جلال بر خداوند گوییم

پری روح را بطلبید

شکر و تسبیح را به جا آرید

حمدش کنید شکرش گویند

خداوند ما شایسته است

بندگردان

مسیح خدایم، رهگشایم

هادی و نورم، رهنمایم

در سختی ها در تنگی ها

صلیب اوست پیروزی ام

شادیم در خداوند نامش متبارک

شادی کنید ای فرزندان

دست ها بر افرازیم، لب ها را بگشائیم

جلال بر خداوند گوییم

(۲)





تولد اوست

تولد، تولد، تولد اوست
شاد باشید سرود خوانید
چون تولد اوست (۲)

عیسی مسیح، آن شاه شاهان
آمده به جهان تا
شود ما را ناجی (۲)

تولد، تولد، تولد اوست
شاد باشید سرود خوانید
چون تولد اوست (۲)

ای دوستان وقت شادی و سرور است
چونکه میلاد مسیح موعود است

تولد، تولد، تولد اوست
شاد باشید سرود خوانید
چون تولد اوست

در آخوری پست به دنیا آمد
تخت سلطنتش در
قلبهای مان است
بیائید با ما بسرائید
پادشاه جلال را بستائید

تولد، تولد، تولد اوست
شاد باشید سرود خوانید
چون تولد اوست (۲)

ای دوستان وقت شادی و سرور است
چونکه میلاد مسیح موعود است



آرامی دل‌هایی

آرامی دل‌هایی،
سازنده دریاها

روشنی خورشیدی
زیبایی رویاها

از تو امنیت دارم
در کشمکش توفان

من قایق پوسیده
تو رهبر این سکان (۲)

تا مقصد آزادی، سرباز تو میمانم
نعمت نجاتم را از فیض تو میدانم (۲)



خداوندم ای منجی ام

خداوندم ای منجی ام
لمس کن قلبم با روح خود
خداوندم ای منجی ام
لمس کن قلبم با روح خود

آن روحی که بخشیده گناهانم
آن روحی که تازه ساخته قلب و جانم
آن روحی قوت بخش تو ای مسیح

روح قدوس ای پدر
خداوندم ای منجی ام
لمس کن قلبم با روح خود
خداوندم ای منجی ام
لمس کن قلبم با روح خود



اندر این جهان مملو از گناه

اندر این جهان مملو از گناه
دور ز آب حیات و راستی و راه
سرگردان و بی پناه و نا امید
به انتظار که چاره گردد پدید

این منجی ام تویی خدای من
ای سرورم تویی شفای من
ای رهبرم تویی امید من
مسیح ای تنها منجی جهان (۲)

اینک از گناه و غم آزادم من
بین چگونه در حضورش شادم من
دایماً قلب در جستجوی اوست
دانم که این همه
از فیض و رحم اوست

بندگان

قلب تو ای دوست گر در فغان بود
عیسی را بخوان
تا شیطان دور شود
در روح وجودت حکمرانی کند
آرامش مسیح در تو پدید آید

بندگان





امروز مسیح منجی بشر

امروز مسیح منجی بشر
از عرش برین از نزد پدر
آمد به زمین با فتح و ظفر
گوید همه آن نخبه پسر
فرزند خداست عیسی به یقین
منجی امم هم حافظ دین

چون بوده جهان در محنت و غم
در زیر گنه با رنج و الم
آمد به زمین منجی امم
تا فدیة شود از راه کرم
بخشیده حیات آن محی دین
از خلق جداست عیسی به یقین

نوز ازلی گردیده عیان
در جسم مسیح آمد به جهان
پس شد گله را حامی و شبان
ره را بنمود برد این بره گان
فرزند خداست عیسی به یقین
زین خلق جداست آن محور دین



امروز چه روزیست

امروز چه روزیست روز شادی
غم ها ز جان ها میگریزند
چون عیسی خود در کرده عیان
دل ها ز مهر او لبریز اند

عیسی امیدم، امید جانم
عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

عیسی سلطان مهر و وفا
آمده از جانب خدا
امروز دعوت میکند ترا
ای دوست بشنو صدای او را

عیسی امیدم، امید جانم
عیسی مونس شیرین زبانم (۲)

ای آنکه مرده ایی در گناه
ب ر خیز و بیا نزد عیسی
بگو خداوند ببخش مرا
به ایمان پاک و بی ریا

عیسی امیدم، امید جانم
عیسی مونس شیرین زبانم (۲)



سرود نجات

خدایا سراییم سرود نجات
که رهایی از موت بدادی حیات
ز دست تو گشته ظفرها پدید
ز خون مسیحا که ما را خرید

لباس عدالت کردی عطا سلاح تام ما دست خدا
به ضد شریر جنگ نیکو کنم تاج حیات را به دست آورم

خدایا توئی حافظ مومنین
ز تیرها و دام شیطان در کمین
کلامت به ما درس زیستن دهد
ز حکمت شویم پر چون روح دمد

لباس عدالت کردی عطا سلاح تام ما دست خدا
به ضد شریر جنگ نیکو کنم تاج حیات را به دست آورم

خدایا تو چشم دلم باز نما
که تشخیص دهم راه راست و خطا
زمکرهای شریر شوم با خبر
رهایی دهی تو مرا از خطر

لباس عدالت کردی عطا سلاح تام ما دست خدا
به ضد شریر جنگ نیکو کنم تاج حیات را به دست آورم

(۲)





چون سرگردان من

چون سرگردان من همچون باد
چون موج شن در بیابان
جسم و روح من بی پناه
مانده ام در گناه
ندانسته چه می کردم
فرمان از شیطان می بردم
من در این دنیای فانی
امیدی نداشتم

اما یک قدرتی درونم دیده شد
روح پاک خداوند در قلبم ظاهر شد (۲)

شد رستگار این جان من
آسمان گشته مکان من
با خون پر بهای خود
شسته گناه من
یس های من امید گشته
غمم به شادی برگشته
عیسی مسیح محبوبم
در قلبم نشسته

اما یک قدرتی درونم دیده شد
روح پاک خداوند در قلبم ظاهر شد (۲)





ای عیسی منجیم

ای عیسی، منجیم خداوند بی همتا
تمام عمر، میستایم عظمت مهتر را
آرامی دهنده، پناه گاه مستحکم
با هر نفس می پرستم، خود را تقدیم سازم

آیید ستایش و حمدش گوییم بهر شاه شاهان سرود خوانیم
خلقت و کل هستی در حضورش تعظیم کند
با شور و شوق حمد نامش خوانیم تا ابد به او وفادار می مانیم
وعده هایت بی نظیر است ای خداوند

ای عیسی، منجیم خداوند بی همتا
تمام عمر، میستایم عظمت مهتر را
آرامی دهنده، پناه گاه مستحکم
با هر نفس می پرستم، خود را تقدیم سازم

آیید ستایش و حمدش گوییم بهر شاه شاهان سرود خوانیم
خلقت و کل هستی در حضورش تعظیم کند
با شور و شوق حمد نامش خوانیم تا ابد به او وفادار می مانیم
وعده هایت بی نظیر است ای خداوند (۲)

...



به زخم هایش شفا بخشید

به زخم هایش شفا بخشید به خورش از گناه آزاد
علاج و مـرحم هـر زخم کند ویرانه را آباد (۲)

با آن چشمان پر نورش تبسم بر لبان او
نگتهش قلب پطرس را هزار رشته به ریش بنمود
به هر آهنگ شلاقی که بر پشتش نوازان بود
سرودی زمزمه میکرد پدر بخشا عزیزان را
به تن بگرفت همه دردی، همه زجر و همه زخمی
به جان بگرفت همه خواری، همه خفت و همه شرمی
ز بهر من به جان بگرفت صلیب و مرگ بر آنرا
ز بهر من گناه گردید به پرداخت مزد مرگم را

به زخم هایش شفا بخشید به خورش از گناه آزاد
علاج و مـرحم هـر زخم کند ویرانه را آباد (۲)

"زمین لرزید زمان لرزید هوا غرید به خود پیچید
ببار ابرک ببار باران خداوند در زمین خوابید
صدای گریه مادر صدای یاس هر عاشق
بگردید خنده بر لبها خداوند او را بخیزاند

به زخم هایش شفا بخشید به خورش از گناه آزاد
علاج و مـرحم هـر زخم کند ویرانه را آباد (۲)





صدایم کن

صدایت آیت جاری طنین روح بیداری
دم مستی و هشیاری مرا از خود رهایم کن
بخوان نامم به آوازت به شور جذبه رازت
به آن بانگ جهان سازت از ایندنیا جدایم کن

صدایم کن صدایم کن
به آواز صحرگاهان به اعجاز حضور نور
که می تابد به روح و جان
صدایم کن صدایم کن

اگر لب بسته و خاموش، اگر گنگم اگر مدهوش
مرا از نو بنایم کن مسیحا صدایم کن
به فرمان کلام تو ز قبر کهنه بر خیزم
به هستی در هم آمیزمشهنشاهم صدایم کن

صدایم کن صدایم کن
به آواز صحرگاهان به اعجاز حضور نور
که می تابد به روح و جان
صدایم کن صدایم کن



من ایستاده ام

نبرد ما با جسم و خون نیست نبردیست با نیروهای ظلمت
نبرد ما با انسان ها نیست نبردیست با دشمن ظلمت

"من ایستاده ام با شمشیر روحش
من ایستاده ام با سپر ایمان
من ایستاده ام تا فریاد سر دهم
به نام عیسی دور شو، من ایستاده ام" ۲
عیسی شاه شاهان، عیسی رب الارباب، عیسی سرور آسمان (۲)

نبرد ما با جسم و خون نیست نبردیست با نیروهای ظلمت
نبرد ما با انسان ها نیست نبردیست با دشمن ظلمت

"من ایستاده ام با شمشیر روحش
من ایستاده ام با سپر ایمان
من ایستاده ام تا فریاد سر دهم
به نام عیسی دور شو، من ایستاده ام" ۲
عیسی شاه شاهان، عیسی رب الارباب، عیسی سرور آسمان (۲)



چون بنگرم بر صلیب

چون بنگرم بر صلیب بینم آن فیض عجیبت
بر زخم ها و رنج های تو بر پیروزی مهیبت
بر فیض تو که جاری شد از خون و جسم تو عیسی
شفا دادی از زخم هایت این روح سرگردانم را

صلیب تو تخت تو شد تا بر آن بنشینی پادشاه
تا آشکار سازی عشقت را بر روی کوه جلجتا
پادشاهان جان میگیرند تا سلطان عالم شوند
شاه من جان خود بداد تا سلطان قلبم شود

عاشقانه می سرایم چون دانم شاه من تویی
فخرم تویی عشقم تویی عیسی مصلوبم تویی
برتر ز هر قدرت تویی اول تویی آخر تویی
نور تاریکی های من عیسی محبوبم تویی

صلیب تو تخت تو شد تا بر آن بنشینی پادشاه
تا آشکار سازی عشقت را بر روی کوه جلجتا
پادشاهان جان میگیرند تا سلطان عالم شوند
شاه من جان خود بداد تا سلطان قلبم شود



مریم میدانی

مریم میدانی که نوزاد تو بر آب گام خواهد نهاد
آیا میدانی که انسان ها را او نجات خواهد داد
میدانی که نوزاد تو آمد تا تازه سازد
او که تو حیاتش دادی تو را حیات خواهد داد
مریم میدانی که نوزاد تو کور را بینا سازد
آیا میدانی که او طوفان را آرامی می دهد
میدانی که نوزاد تو نازل شد از آسمان
این چهره که بوسده ای چهره خود خداست

مریم میدانی

کور خواهد دید، کر خواهد شنید، مرده زنده گردد
لنگ راه رود، لال بخواند حمد خدای حی
مریم میدانی که نوزاد تو سرور هستی است
مریم میدانی که او بر عالم پادشاهی خواهد کرد
میدانی که نوزاد تو بره ی آسمانی ست
طفلی که در آغوش توست خداوند است

.....





روح القدس

روح القدس، تازه کن روحم با لمس خود؛
روشن کن، افکار مرا با نور خود!
پر نما، قلب مرا از نیکویت؛
سیراب نما از نهر آب حیات!

جلال بر تو پدر، بهر روح القدس؛
جلال ای خداوند، بهر روح پاکت؛
جلال بر تو پدر، بهر روح القدس؛
جلال بر تو، جلال بر تو پدر
هللویاه، هللویاه، هللویاه، هللویاه
هللویاه، هللویاه، هللویاه، هللویاه

روح القدس، تازه کن روحم با قدرتت
روح القدس، زندگیم را تبدیل نما

روح القدس، جاری کن مهر منجی ام را
روح القدسستقدیس کن با کلامت

